

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مطالعات قرآنی دوازدهم

دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و حدیث

سال چهارم، شماره دوم / بهار و تابستان ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر رضا محمدزاده

سرمدیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید محمدباقر حجتی استاد دانشگاه تهران
سید حسن سعادت مصطفوی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فردوسی
عباس مصلائی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

مترجم چکیده‌ها به انگلیسی: دکتر محمود کریمی

مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۲۳۲ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

E-mail: Quranmag@isu.ac.ir

امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، نمابر: ۸۸۵۷۵۰۲۵

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

http://mag.isu.ac.ir

E-mail: mag@isu.ac.ir

معناشناسی مفهوم حبط در قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۲۱

مهدی مطیع*

سوده اسعدی**

چکیده

«حبط اعمال» یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین مشکلات و موانع به ثمر رسیدن و ذخیره شدن اعمال انسان در جهان آخرت است. در پی عدم بروز بازخورد رفتار صحیح انسان در قبال کسب بی حد معارف و تعالیم الهی، این پرسش ایجاد می‌شود که چه چیز سبب می‌گردد انسان نتواند از تعالیم و معارف الهی که در دنیا تلاش بسیاری برای کسب آن‌ها کرده، عملاً در ارتقاء کیفیت زندگی و شئون انسانی خویش کمک بگیرد. توجه به این معنای قرآنی که اگر کسی موفق به کسب حسنه و فضیلتی از سوی خداوند متعال شد، حفظ و صیانت از آن در برابر آفات ممکنه در مسیر زندگی تا زمان حسابرسی اعمال آدمی نیز مسئولیتی ضروری و مهم دانسته شده، که در صورت انجام، وعده چند برابر نمودن آن خوبی‌ها در کارنامه اعمال مؤمنین، نزد پروردگار هستی داده شده است، مؤید این مطلب به شمار می‌رود.

تقسیم شدن مفهوم حبط به انواع مختلفی از جمله حبط عمل، حبط صفت، حبط علم، حبط ایمان و عقیده، آسیب‌های است که ریشه بسیاری از بی ثمرگی تعالیم و معارف الهی آدمی در دیدگاه و زندگی عملی او به شمار می‌رود و ضرورت پرداخت به این موضوع مهم را بیان می‌دارد. در این مقاله تلاش شده تا با استفاده از روش معناشناسی و ترسیم شبکه معنایی حبط و حوزه‌های پیرامونی آن در قالب بررسی میدان‌های معناشناختی مترادفات، ملازم‌ها، متضادها و راه‌های برون شد از آن، تبیینی راه‌گشا و کاربردی از این موضوع حاصل شود.

واژگان کلیدی

حبط، کفر، شرک، ابطال، خسران، معناشناسی

mahdi_motia@yahoo.com

assadi_s84@yahoo.com

* استادیار دانشکده الهیات دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم حدیث تهران

طرح مسئله

معنای حبط بدان جهت برای مسلمانان، اعم از عارفان، مفسران و دانشمندان علوم قرآنی اهمیّت اساسی دارد که در قرآن کریم اکثر توصیه‌های خداوند متعال به انسان برای حفظ ایمان، عمل صالح و فلاح در مسیر سیر الی الله، بر محور محافظت اعمال او از حبط و بطلان دور می‌زند. در ده‌ها آیه از قرآن کریم با تعبیرهای مؤکد و مختلف به مؤمنین این آگاهی داده شده است که با تحکیم ایمان قلبی، دوری از شرک و تکذیب آیات الهی، حفظ ادب در برابر ولی خدا و ... موجبات دریافت رضوان الهی و هدایت حق تعالی در هر دو جهان را فراهم آورند. علاوه بر این، اشاره به عدم نتیجه بخشی عبادات، هرچند در حجم و مقیاس زیاد، در روایات و متون دینی، بیانگر اهمیّت بیش از پیش این موضوع است.

امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره می‌فرماید: «رُبَّ صَائِمٍ حَطَّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجُوعُ وَ رُبَّ قَائِمٍ حَطَّهُ مِنْ قِيَامِهِ السَّهَرُ» (رضی، ۱۳۸۰، حکمت ۱۴۵)؛ چه بسا روزه داری که بهره‌هایی جز گرسنگی و تشنگی از روزه داری ندارد و بسا شب زنده داری که از شب زنده داری چیزی جز رنج و بی‌خوابی به دست نیورد.

هدف‌دار بودن سیستم آفرینش هستی، مستلزم عمل به برنامه‌ای جامع و مدوّن است که در قالب کتاب تکوین بیان شده و در آن تلاش، کردار، اعمال و حتی صفات پسندیده انسانی در صورت رعایت قانونمندی‌های الهی موجب دست‌یابی به فلاح و کمال والای انسانی دانسته شده است.

۱. روش‌شناسی

این پژوهش که به نوعی بررسی روابط متنی محسوب می‌شود، پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی حبط، پیش‌زمینه‌ها، دسته‌های ملازم، مترادف و متضاد، درصدد بررسی ارتباط میان فضای آیات و واژه مورد نظر در قرآن کریم بر آمده است. بررسی سیستماتیک معنا در این پژوهش، برگرفته از روش معناشناسی مکتب بُن^۱ است، که البته در متن حاضر، سعی بر این بوده تا با تلفیق ایده‌های نو و متناسب با فضای مورد

بررسی، به ارتقاء روش مورد نظر در فهم بهتر و عمیق‌تر مفاهیم قرآنی کمک شود. مراحل این روش عبارت است از:

(الف) تعریف بافتی یا متنی که در آن، معنای دقیق واژه از روی بافت و از راه توصیف لفظی مشخص می‌شود.

(ب) جستجوی مترادفات نسبی دو کلمه و معنا و سعی در فهم مؤلفه‌های معنایی خاص.

(ج) ارائه فهم معنایی واژه از واژه متضاد که منجر به تعیین حدود واژه می‌شود.

(د) ترسیم و کشف میدان معناشناسی یا حوزه معنایی.

(ه) پیدا کردن شبکه تصویری یا مجموعه کلی با کمک چینی معنادار.

۲. واژه‌شناسی

آگاهی یافتن نسبت به ابعاد لغوی و اصطلاحی یک مفهوم در یک متن را می‌توان از جمله مراحل تبیین موضوع دانست که عمدتاً ذیل عنوان واژه‌شناسی بررسی می‌شود. اصل واژه «حبط» از ریشه «حَبَطَ» است و کاربرد آن هنگامی است که چهارپا علف بسیار خورد تا شکمش نفخ نماید و چه بسا این کار به دلیل هضم نشدن غذا در معده حیوان سبب هلاکت او شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۶؛ قرشی، ۱۳۷۱، ص ۲۹۶) و آن غذا از بدن او خارج نمی‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۷۰).

حبط به معنای فساد و هدر رفتن چیزی است و حبط عمل، بطلان و بی اثر شدن آن است به گونه‌ای که هیچ اثر و پاداش و نتیجه معنوی که موجبات خیر، برکت و توفیق را فراهم نماید، در دنیا و آخرت به دنبال نخواهد داشت (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۵۷؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۶).

از دیدگاه راغب اصفهانی حبط عمل به سه قسم از اعمال آدمی تعلق می‌گیرد: اول؛ آن دسته از اعمال دنیایی که در آخرت بهره‌ای برای صاحب خود نخواهد داشت. دوم؛ اعمال اخرویی که صاحب آن رضایت‌مندی حضرت حق را در نظر نداشته است و سوم؛ اعمال صالحه‌ای که به ازای کردار ناشایست فرد از بین رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۶).

نکته قابل توجه در معنای لغوی این واژه آن است که نگارنده کتاب *التحقیق حبط* را سقوطی که محو و نابودی به دنبال خود دارد، در نظر می‌گیرد، نه سقوط مطلق (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۵۷)، چنانکه سقوط و فرو افتادن هر شیء لزوماً مستلزم از بین رفتن آن نیست اما حبط، سقوطی است که ناگزیر محو را به دنبال دارد به گونه‌ای که هیچ اثر و نتیجه اخروی به بار نخواهد آورد. همچنین قابل ذکر است که این واژه در کل قرآن حکیم شانزده بار و در شانزده آیه شریفه، در قالب صیغه‌های گوناگون تکرار شده است اما در برخی آیات بطلان به جای حبط به کار رفته و مترادف آن دانسته شده است که در بررسی واژگان مترادف به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

۳. بررسی مؤلفه‌های معنایی

از آنجا که همواره برای تبیین مفهوم یک واژه، بررسی دسته‌های هم معنا، ملازم، متضاد و نیز نمادهای واژه ضروری می‌نماید، این نوشتار ابتدا به بیان معنای واژه کانونی «حبط» و سپس به بررسی مؤلفه‌های معنایی مذکور در راستای ارائه معنایی روشن‌تر از واژه پرداخته است. این بررسی در دو بخش واژه‌شناسی و محورهای هم‌نشینی^۲ صورت می‌گیرد که در ذیل به ترتیب بیان شده است.

در حوزه دانش معنانشناسی، ذیل عنوان شبکه معنایی برای واژه مورد نظر، محورهایی ترسیم می‌شود تا در قالبی نظام‌مند به تمام ابعاد مورد نیاز پرداخته شود که البته این محورها دارای دسته‌بندی خاصی است. از این میان، محور هم‌نشینی که بیانگر ارتباط و تناسبات بین واژگان کنار هم چیده شده در یک آیه، متن یا سیاق است از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ایستگاه‌های تأمل در مورد هر واژه بوده که از زیرمجموعه‌های قاعده‌مند تشکیل یافته است.

۳-۱. محورهای هم‌نشینی

زبان را گونه‌ای از «زنجیره کلام» است که در آن واحدهای زبانی (واجها، تک واژها، واژگان) طبق قانون‌مندی خاصی در کنار هم قرار می‌گیرند تا پیامی را به دیگری انتقال دهند. اجزای پیام یا جنبه‌ای محسوس، عینی و حاضر دارند، مثل این که بگوییم: «نام

من، حسن است» یا جنبه‌ای ذهنی و غایب دارند، مثل این که گفته شود: «نام خانوادگی من، حسینی نیست». به تعبیر دیگر در این دو جمله، «نام خانوادگی من» جانشین «نام من» و «حسینی» جانشین «حسن» و «نیست» جانشین «است» شده است که جنبه‌های غایب و «جانشینی» زبان به شمار می‌آیند. اما پیوندی که میان هر یک از این اجزای پیام گروه اسمی «نام من» (نهاد)، گروه اسمی «حسن» (مسند) و گروه فعلی «است» (رابطه) وجود دارد، به محور دیگری از زبان تعلق دارد که به آن «هم‌نشینی» گویند (ریوکین^۳ و رایان^۴، ۱۹۹۸م، ص ۸۴).

در متن قرآن کریم نیز بهره‌مندی از اسلوب کنار هم قرار گیری واژگان در پیدا کردن معانی دقیق‌تر و عمیق‌تر از آیات شریفه بسیار مؤثر و راه‌گشا بوده است. چنانکه با نگاهی دقیق به آیات حبط، به سادگی می‌توان دو محور هم‌نشینی برای این واژه در نظر گرفت. یعنی هنگامی که دو یا چند واژه در یک جمله کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، می‌توانند نقش‌های مختلفی را ایفا کنند که از جمله مهم‌ترین و کاربردی‌ترین آن‌ها، نقش ملازمت و مترادف بودن است، با این تفاوت که وجود واژه یا واژگان ملازم در عبارت صرفاً هم معنا با لفظ کانونی و مورد بررسی در آن جمله نیست، بلکه در قالب معناهای گوناگون می‌تواند تأثیر خاص و مختلفی بر دریافت مراد گوینده از کلام داشته باشد.

اما واژگان مترادف همان‌گونه که از نامشان پیداست، ممکن است که در یک متن، تعابیر، جملات یا آیاتی با واژه‌هایی هم معنا، مترادف با لفظ محور در یک بررسی را شامل شوند که به ترسیم شبکه معنایی دقیق و نظاممند از سیاق کمک می‌کنند. منظور از طرح این هم‌نشینی‌ها، جلب توجه مخاطب به نقش مؤثر تک تک واژگان آمده در تعابیر، آیات و نقش هر کدام در درک و دریافت فهم بهتر و دقیق‌تر از آن جمله است.

در پژوهش حاضر نیز محور هم‌نشینی اول حول محور واژگان ملازم همچون: «کفر، شرک، تکذیب آیات، تکذیب لقاء آخرت، ارتداد، اتباع از ما سخط الله، خوض، رفع صوت در برابر نبی، مشاقه با رسول(ص)، اراده حیات دنیا و زینت آن و نفاق» تشکیل و در کنار هر کدام از این عبارات معنی و مفهومی متفاوت به خود گرفته است. این امر، اهمیت جایگاه و همراهی واژگان با یکدیگر را در بیان صحیح مراد متن در

سیاق نشان می‌دهد. به عنوان مثال در این بخش، پنج آیه از آیات نورانی کلام الله که به طور خاص هم‌نشینی دو واژه «خسر» و «حبط» را نشان می‌دهند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

خطاب آیه شریفه «وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (زمر: ۶۵) نسبت به پیامبر (ص)، بیانگر اهمیت پرهیز از شرک و منظور حفظ اعمال و دوری از زیان‌کاری است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۹).

توجه به سیاق آیه «إِذَا عَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مَخْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَخَلِّذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده: ۵) نشان می‌دهد که مراد از جمله «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ» کسانی هستند که بر پوشاندن حق و علم و ایمان خویش مداومت دارند، هر چند که در جمله مورد بحث مطلب با مثل «يَكْفُرُ» تعبیر شده، اما اینان کافر به ایمان هستند و انکار حق باعث حبط و بی‌پاداش ماندن اعمال‌شان خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۵۳).

مخاطب آیه «الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ بَخِلُوا فِيهِمْ وَخَضْتُمُ كَالَّذِي خَاضُوا أَوْلَيْكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَوْلَيْكَ هُمُ الْخَسِرُونَ» (توبه: ۶۹) نیز منافقین بودند و اینکه منافقین و کفار در اعراض از یاد خدا و سرگرمی به متاع دنیا و استهزاء به آیات خداوند و سرانجام بی‌نتیجه ماندن اعمال‌شان در دنیا به هم می‌مانند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۳؛ آندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵).

در سیاق آیه «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ» (مائده: ۵۳) نیز آمده است که دوستی و همراهی با منافقین برای مؤمنین سست ایمان، موجب خسران و حبط عمل خواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۷۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۴).

در رابطه با آیه «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ» (جاثیه: ۲۷) نیز باید گفته که کلمه «خسر» و «خسران» به معنای کم شدن سرمایه است و این کلمه را به خود انسان هم نسبت می‌دهند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲،

ص ۲۸۱) و همراهی آن با واژه «مبطلون»، به نوعی مترادف واژه حبط به معنای خسران، هدر رفتن و ضایع شدن چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۶) که فرجام تلخ زیان‌کاران در از دست دادن اعمال‌شان را ترسیم می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۱۷۶؛ سور آبادی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۳۰).

نکته مهمی که در این دسته از آیات به دست می‌آید، این است که خسران نتیجه حبط عمل آمده، به جز آیه ۲۷ سوره جاثیه که زمان قرار گرفتن مبطلان در خسران را بیان کرده است. اهمیت این مطلب از این جهت که حبط خود نوعی آسیب و زیان است و اینکه در مرتبه‌ای شدیدتر خسروانی را که تقریباً می‌توان گفت نوع و مصداق آن، مشخص نشده به عنوان نتیجه حبط ذکر می‌کند، قابل تأمل است.

توضیحات بیشتر پیرامون واژه خسر در بخش مترادفات مفهوم مورد نظر آمده است. همچنین محور هم‌نشینی دوم که بیانگر همراهی کلید واژه‌های مترادف مفهوم حبط در آیات قرآن است، در دسته‌بندی میدان‌های معناشناسی مفصلاً به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۳. میدان‌های معناشناسی

از آنجایی که ترسیم یک شبکه معنایی پویا و معنادار نیازمند بررسی دو بخش بسیار مهم مؤلفه‌های معنایی و کلیدواژه‌های کانونی است، در این بخش ابتدا به ذکر ریز مؤلفه‌های میدان‌های معنایی مصدر و منشأ حبط، مترادف، ملازم، متضاد و نمادهای این مفهوم پرداخته می‌شود. همان‌طور که مشخص است منشأ، بیانگر ریشه و زمینه‌هایی است که سبب بروز حبط عمل می‌شود که شناخت آن، دستیابی به راهکارهای برون شد از این آسیب را تسهیل می‌بخشد.

۱-۲-۳. منشأ و زمینه‌های حبط

کلید واژه‌های میدان معنایی اول که به نوعی نیز مصدر و منشأ حبط هستند عبارتند از: اراده حیات دنیا، خوض، کفر، ارتداد، شرک و زینت آن، تکذیب آیات، نفاق، رفع

صوت در برابر نبی(ص)، مشاقه با رسول(ص)، اتباع از ما سخط الله و تکذیب لقاء آخرت.

در این بخش از نوشتار به بررسی منشأهای کلید واژه کانونی حبط پرداخته می‌شود؛ بدان معنا که عوامل اصلی وقوع حبط در اعمال آدمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نگرشی سیستمی به زیر گروه‌های مطرح شده در دسته منشأها، این مفهوم در سه دسته بسط می‌یابد. دسته اول که به نوعی در قالب ارتباط خدا و بنده معنادار می‌شود شامل واژگان؛ کفر، شرک، ارتداد و تکذیب آیات الهی است.

۳-۲-۱-۱. کفر

کفر در لغت به معنی پوشاندن شیء است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۲۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۱). به عنوان مثال نکته قابل توجه در آیه «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» (توبه: ۱۷) این است که انجام هرگونه عمل به ظاهر شایسته اما باطناً کافر به توحید الهی و شرک ورزی نسبت به خداوند یگانه، باطل و بی ثمر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۲۰).

در آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ. أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (آل عمران: ۲۱ و ۲۲) نیز افرادی که به آیات الهی کفر ورزیده و انبیاء الهی و مؤمنینی را که به حق میان مردم به اقامه قسط می‌پردازند را به دلیل جهالت و گمراهی خود به قتل برسانند، دچار حبط عمل در دنیا و آخرت می‌شوند و مهم‌تر از آن اینکه خداوند می‌فرماید برای چنین افرادی هیچ یار و یابوری نیست و در خسران و زیان عاقبت کار خود تنها خواهند بود و این نیز به عنوان یکی دیگر از پایان‌های ناخوشایند برای فردی که وجود خود را در معرض نور ایمان الهی قرار نداده و در زمره ناسپاسان رحمت و وسیع حق تعالی قرار گرفته، ذکر شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۷).

بیان این نکته ضروری است که از نظر قرآن تمام اعمال و کردار آدمی برای اینکه مفید حال او واقع شود و آنچه هدف حق تعالی از آفرینش انسان در نظر داشته است، محقق گردد، می‌بایست به مرحله‌ای بالاتر که منظور «ایمان» است، تبدیل شود. هرچه انسان تلاش کند و عمل صالح کسب نماید، اما این اعمال به ایمان تبدیل نشوند، به این معنی است که به ثمر نرسیده است و فقط روی هم انباشته شده و در مواردی نیز گم شده و از بین می‌رود هرچند آن اعمال با حجم و فراوانی بالا بوده باشد چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِذَا ذَهَبَ الخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (احزاب: ۱۹)؛ اما وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبان‌های تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می‌گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می‌کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیل هستند. آنها (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد و این کار بر خدا آسان است.

در آیه شریفه «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۱۷) نیز بیان می‌دارد که از بین رفتن و ابطال عمل برای مرتد از دین و شخص کافر که از دنیا رفته، قطعی است و لذا آتش جهنم و خلود در آن را به ایشان وعده داده است.

با تأملی در سیاق قبل و بعد آیه «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا» (کهف: ۱۰۵) و کلید واژه‌های به کار رفته در آن، می‌توان کفر به آیات الهی و لقاء پروردگار را عنوانی مناسب جهت پیگیری دقیق‌تر برخی نکات نهفته در آیه مذکور دانست. یکی از زیباترین نکات آیه کریمه کنار هم قرار گرفتن دو مفهوم مهم از مفاهیم اساسی قرآن یعنی کفر و حبط و بیان عدم اقامه میزان در قیامت به عنوان حاصل این هم‌نشینی است.

هم‌نشینی دو واژه کفر و حبط در این آیه، بیانگر این مطلب است که نداشتن ایمان واقعی به معنای پوشاندن و ندیدن حقیقت آیات و تجلیات الهی و لقاء پروردگار و منجر به بی‌ثمر شدن اعمال و داشته‌های افراد و دردناک تر از آن، عدم اقامه میزان در جهان آخرت می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۶).

بیان وسعت یافتن دامنه احکام فقهی و عملی، برای راحتی و آسایش مسلمانان است که به تقویت ایمان آنها بینجامد و هر کس از این قوانین سر باز زند، دچار حبط عمل شده و در زمره زیان‌کاران قرار می‌گیرد چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ مَحْضِينَ غَيْرُ مُسَافِحِينَ وَلَا تُتَخَذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده: ۵).

۳-۲-۱-۲. شرک

راغب در معنای «شرک» چنین بیان می‌کند: شرک و مشارکت به معنی شریک شدن است و شریک کسی است که در کاری یا در چیزی با دیگری سهیم است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۴). در آیه «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» (توبه: ۱۷)؛ شرک ورزیدن به خدای یگانه از مهم‌ترین دلایل از بین رفتن اعمال و خلود در نار دانسته شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۲۰).

در آیه «ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۸۸) نیز لازمه هدایت الهی، عدم شرک به حق تعالی دانسته شده است. آیه فوق اتخاذ توحید و اعتقاد قلبی به وحدانیت خدای متعال را از مهم‌ترین عوامل هدایت انسان‌ها دانسته و متقابلاً از شرک به عنوان عاملی جهت عدم پذیرش اعمال مشرکین نام برده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۴).

آیه «وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (زمر: ۶۵) نیز در صدد بیان این نکته است که هرچه ایمان و اخلاص فرد بالاتر رود، قانونمندی امتحان و ابتلائات در مورد او سخت‌تر می‌شود، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید اگر ذره‌ای شرک داشته باشد، دچار حبط عمل می‌گردد. این مطلب در مورد شخص پیامبر اکرم (ص) با رتبه‌ای والا در تقوا و عصمت نیز صادق است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۹).

۳-۲-۱-۳. تکذیب آیات

«تکذیب» آن است که دیگری را به دروغ نسبت داده و گفته شود دروغ می‌گوید، یا به معنی نسبت کذب و انکار است که ظاهراً در انسان به معنی اول است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۹).

قابل توجه است که حبط عمل و بی اجر بودن آن، خود یک نحو کیفر است زیرا همانطوری که گفته شد، پاداش هر عمل، نیکی خود عمل است و شاید ظاهر بودن بسیاری از نعمات الهی سبب شده تا از درک آیات و نشانه‌ای باطنی و عمیق الهی غفلت ورزیده شود. در این میان اولیاء الهی (انسان کامل) مهم‌ترین آیه و نشانه برای هدایت انسان‌ها هستند که به ندرت از سوی مردم شناخته و پذیرفته می‌شوند چرا که ایشان را تکذیب کرده و در نتیجه اعمالشان حبط می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۲۴)، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف: ۱۴۷).

۳-۲-۱-۴. ارتداد

ارتداد به معنای «ردّ الشئ» یعنی آن چیز را برگرداندن است. عبارت «يَرْتَدُّ عَنِ دِينِهِ» نیز بدین معناست که از دین خود بازگشت و مرتد شد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴). اما در اصطلاح «ارتداد» به نوعی اعراض و روی برگرداندن پس از ایمان آوردن و پذیرفتن اسلام را گویند که در آیات شریفه قرآن پیامدهای حاصل از آن بیان شده است.

ارتداد از دین را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین عناوین آیه «وَ مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنِ دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۱۷) در نظر گرفت تا از این طریق به ارتباط معنادار این واژه و مفهوم حبط عمل پی برد، که بیانگر زیانمند بودن فرد کافر در دنیا و آخرت و قرار گرفتن در زمره اصحاب نار و توقف در آن است. در این آیه شریفه اعراض از دین حق و کافر شدن به آن و حبط شدن اعمال آدمی از نشانه‌های بارز اصحاب جهنم در آخرت به شمار رفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶).

دسته دوم نیز گویای ارتباط بندگان با اولیاء الهی است که مشاققه با رسول و بی ادبی در مقابل ولی خدا را دربر می‌گیرد مانند آیات ذیل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ» (حجرات: ۲) و «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ شَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيُخِيطُ أَعْمَالَهُمْ» (محمد: ۳۲). مفاهیمی چون اراده حیات دنیا، خوض و نفاق نیز مفاهیم دسته سوم را تشکیل می‌دهند که به نوع عملکرد بندگان در زندگی دنیایی اشاره دارد.

۳-۲-۱-۵. نفاق

«نفاق» از ریشه «نَفَقَ» و به معنی خروج یا تمام شدن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۹۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۱) و در اصطلاح به فردی گویند که ظاهراً اقرار به ایمان می‌کند، اما در عمل به نوعی رفتار می‌کند که از حدود خارج می‌شود.

در آیات قرآن دنیاطلبی و حُب زینت‌های آن و مشغولیت به ابزارهای مادی از ویژگی‌های منافقین ذکر شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۳) مانند آیه ذیل: «فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَ خُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (توبه: ۶۹) که بخشی از آن مرتبط با موضوع خوض نیز می‌باشد.

آیه شریفه «وَ يَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ» (مائده: ۵۳) نیز به طور خلاصه، بی‌ثمر ماندن اعمال منافقین به دلیل نفاق و عدم ایمان به وحدانیت خداوند متعال که منجر به خسران برای آن‌ها می‌شود، را گوشزد می‌نماید. قبل از این نیز بیان شد که دوستی مؤمنین سست ایمان با منافقین نیز از مصادیق آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۷).

همانطور که پیش از این ذکر شد، یکی از مصادر بروز حبط اعمال، عدم ایمان حقیقی به خدا و شریک گرفتن برای او است که با استناد به آیه شریفه «فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقْتُمْ بِاللَّيْنَةِ جَدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَ كَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (احزاب: ۱۹)، بی‌نتیجه گذاشتن اعمال این دسته برای خدا آسان است. از جمله نکات نهفته در این آیه، نسبت داده شدن حبط اعمال، به خداوند

است که تأکید آن را افزون‌تر و قابل تأمل‌تر می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۸؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۸۸).

از نظر قرآن کریم، برگزیدن زندگی دنیا نه به مثابه گذرگاه عبوری برای آخرت، بلکه به عنوان هدف غایی و تمتع از زینت‌های فانی آن، از جمله عوامل زمینه ساز به سرانجام نرسیدن اعمال و زندگی دنیوی برای صاحبانش بیان می‌شود.

۳-۲-۱-۶. اراده حیات دنیا

«اراده» از ریشه «رَوَدَ» و به معنای طلب کردن و خواستن آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۷۱؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۴۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۸۷).

شاید دنیاطلبی منهای آخرت، عنوانی مناسب برای انتقال بهتر منظور این آیه شریفه در مورد تبیین این مطلب بسیار رایج و اساسی در زندگی بشر باشد. انسان‌ها به دلیل میل به آسایش، به افراط گرویده و گمان کرده‌اند که تمام زیبایی‌ها، راحتی‌ها، لذت‌ها و خوشی‌های تعریف شده در غایت آفرینش آدمی، در این دنیای پست و امکانات موجود در آن خلاصه شده است، غافل از آنکه اگر کمی دل و قلب خود را در معرض معارف الهی همچون قرآن قرار می‌دادند، بینشی عمیق و حقیقی نسبت به آفرینش خود پیدا کرده و زیبایی‌های باقی و بی‌نهایت و بدون تبعات متقابل را بر این لذایذ دنیوی که در اصل مقدمه‌ای برای جهان پر از مهر و رحمت آخرت بوده است، ترجیح می‌دادند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَآئِبِحَسُونَ» (هود: ۱۵) و «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبَطَ مَا صَنَّوْا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (هود: ۱۶).

آیات فوق نتیجه دنیاطلبی را، جای گرفتن در آتش و حبط اعمال مطرح کرده است. این آیه شریفه تهدید علیه کفاری است که در برابر حق خاضع نمی‌شدند و یا آنکه حق بودن آن را فهمیده بودند، ولی زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده و آخرت را فراموش کرده بودند. این آیه در عین حال بیان بعضی از سنت‌های جاری در اسباب

این فراموشی نیز هست و روشن می‌کند که چگونه کفار از نعمت زندگی آخرت مأیوس می‌گردند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۷؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲).

۳-۱-۲-۷. خوض

«خوض» وارد شدن در آب و رفتن در آن است و به طور استعاره به وارد شدن در امور، اطلاق می‌شود و اکثر موارد آن در قرآن محلی است که ورود در آن مذموم شمرده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۰؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۷).

آیه شریفه ذیل، یکی از تأمل برانگیزترین آیات مورد بحث در موضوع حبط اعمال است که در آن با نگاهی ظریف به بیان اهمیت ملازمت و هم‌نشینی واژه خوض که به معنای «فرو رفتن در بدی» در قرآن مطرح شده است، با مفهوم حبط در حفظ و یا از دست دادن اعمال آدمی پرداخته است: «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخِلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخِلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخِلَاقِهِمْ وَ خُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أَوْلَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَوْلَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (توبه: ۶۹).

نکته قابل ذکر در این آیه، تعمیم مصادیق متعدد خسران در قرآن برای انسان است. چنانکه در اینجا خسران در دنیا و آخرت برای منافقینی که به دلیل مشغولیت به زن و فرزند و اموال و دنیاپرستی در بدی‌ها فرو رفته و موجبات بی‌ثمر شدن اعمال خود و در نهایت زیانمندی در هر دو جهان را برای خود خریدار شده‌اند، بیان می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۳).

۳-۲-۲. مترادفات مفهوم حبط

پس از تبیین مصادر حبط، به بیان کلید واژه‌های میدان معنایی دوم یعنی مترادفات پرداخته شده که همان معنای محوری، اصلی و کانونی «حبط» را در خود دارند و شامل ابطال عمل، ضنک و خسران می‌باشند.

۳-۲-۲-۱. ابطال عمل

از میان کلید واژه‌های میدان مترادفات، می‌توان واژه «ابطال عمل» را نزدیک‌ترین مفهوم به واژه کانونی حبط دانست چرا که اولاً؛ این واژه بسیار در قرآن کریم تکرار شده چنانچه ریشه آن در ساختارهای مختلف سی و شش بار آمده است که حداقل در پنج مورد، مشخصاً معنای حبط دارد.

ثانیاً؛ گستره مفهومی نسبتاً زیاد این واژه و همراه شدنش با مؤلفه‌های مادی، معنوی، ظاهری، باطنی، دنیوی، اخروی، کرداری و صفاتی، دال بر نزدیک بودن آن به واژه حبط است. در این قسمت پنج آیه‌ای که مشخصاً معنای حبط را دربر دارند، مطرح شده است:

- «فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف: ۱۱۸)
- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره: ۲۶۴)
- «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْحَسِرُ الْمُبْطِلُونَ» (جاثیه: ۲۷)
- «فَلَمَّا أَتَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ» (یونس: ۸۱)
- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد: ۳۳)

۳-۲-۲-۲. ضنک

دومین واژه مطرح شده در حیطه مترادفات، واژه «ضنک» بوده که تنها یک بار در قرآن کریم و آن هم به صورت اسمی به کار رفته است. «ضنک» از لحاظ لغوی بر هر شیء تنگ اطلاق می‌شود و در کاربرد برای مذکر و مؤنث یکسان است. اصل این واژه به معنای «تنگنا و شدت» است و زندگی بدون شیرینی را «ضنک» گویند هر چند از لحاظ ظاهری دارای وسعت باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۶۲).

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴).

مصطفوی، صاحب کتاب التحقیقی ضمن بیان معنای فوق، شدت و تنگنا را هم به امور مادی و هم به امور معنوی نسبت می‌دهد، بدان معنا که قطع ارتباط با خدا و جدایی زندگی از مراحل روحانی، موجب فرار گرفتن در محدودیت‌های مادی زندگی شده و بدین سبب فرد از وسعت عوالم روحانی و فیوضات بهره‌ای ندارد، زیرا عالم ماده من‌های فضای روحانی، در نهایت شدت، محدودیت و تنگنا است.

۳-۲-۳. خسر

«خسر» سومین زیر مؤلفه میدان معناشناسی حبط است. «خسر» به معنای نقصان بوده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۸۱) و نوعی کم شدن و کم کردن را نیز می‌رساند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴۲).

همچنین خُسران بر نقصان رأس المال نیز اطلاق می‌گردد و در مورد موضوعات دنیوی چون مال و مقام و نیز در مورد مسائلی همچون صحت و سلامتی، عقل، ایمان و ثواب نیز به کار رفته است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۸۶).

نقصان به معنای ضلالت و هلاکت نیز به کار رفته است و این کار بدان جهت است که ضلالت و هلاکت نوعی نقصان و زیان است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴۲). در این قسمت به دلیل اینکه پیشتر به آیات مشتمل بر هر دو واژه حبط و خسران اشاره شده، به ذکر آدرس آیه و سوره مورد نظر بسنده می‌شود. مستندات قرآنی این واژه عبارتند از: (توبه: ۶۹)، (مائده: ۵۳)، (مائده: ۵)، (زمر: ۶۵) و (جاثیه: ۲۷).

نهایت اینکه با بررسی ریز مؤلفه‌های معنایی مترادفات در آیات شریفه قرآن، چنین تلقی می‌شود که دریافت و درک روشن‌تر از مفهوم حبط از این طریق بسیار تأثیرگذار بوده و انسان را با دامنه گسترده عوامل آسیب‌زننده به تلاش‌های معرفتی و اعمال صالح آشنا می‌سازد. در ادامه با تبیین مؤلفه‌های متضاد به تدریج به راه‌های پیشگیری از بی‌سرانجام ماندن اعمال و تلاش برای حفظ آن‌ها رهنمون خواهیم شد.

۳-۲-۳. متضادهای مفهوم حبط

سومین دسته از واژگان محوری میدان معناشناسی حبط، مؤلفه‌های متضاد یک کلمه است. همان طور که پیشتر نیز بیان شد، میدان‌های معناشناسی یک واژه دارای انواع مختلفی است که تاکنون به میدان‌های مصدر و منشأ و مترادفات پرداخته شده و در اینجا نیز کلید واژه‌های میدان معنایی سوم که در نقطه متضاد با مفهوم حبط قرار دارند مانند: عدم نقصان اعمال، توفی، رضایت‌مندی و تقبل ذکر می‌شود.

۳-۲-۳.۱. عدم نقصان اعمال

واژه بیانگر عدم نقصان اعمال در قرآن کریم «لَا يَلْتَمِسُ» است: «إِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلْتَمِسُ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً» (حجرات: ۱۴). این واژه با ظاهر نفی آمده و با فاصله جدی از کلید واژه‌های این میدان قرار دارد. کلمه «يَلْتَمِسُ» از ماده «لَيْتَمَ» اشتقاق یافته که به معنای نقص است و وقتی گفته می‌شود «لَا تَلْتَمِسُ، يَلْتَمِسُهُ، لَيْتَمًا» یعنی چیزی از مفعول فعل کم شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۴۹۲).

درباره مفهوم «عدم کاستی اعمال» نیز عبارت «لَنْ يَتَرَكَكُمْ» قابل بیان است که با ریشه «تَرَكَ» چهل و سه بار در قرآن کریم آمده اما با قالب نفی همچون «لَنْ يَتَرَكَكُمْ» تنها یک بار و به معنی «کاسته نخواهد شد» آمده است که می‌توان این معنی را به گونه‌ای یکی از نقاط مقابل مفهوم حبط به معنای از دست رفتن دانست: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَغْلُونَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالِكُمْ» (محمد: ۳۵).

۳-۲-۳.۲. توفی

واژه «توفی» از باب تَفَعَّلَ به معنی اخذ و گرفتن چیزی به طور تمام و کمال است که اصولاً در مقابل خُسْر واقع می‌شود، پس می‌توان آن را متضاد خسر دانست (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۳۱). این واژه با ریشه «وَفَى» شصت و شش بار در شصت و چهار آیه شریفه قرآن کریم به کار رفته است.

۳-۲-۳. رضایت مندی

ریشه «رَضَى» و مشتقات آن یعنی «رضا»، «رضوان» و «مرضاة» به معنی خوشنودی است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۰۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۶). واژه «رَضَى» در قرآن متعدی بنفسه نیز آمده است مانند آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...» (توبه: ۱۱۹) و (ص: ۵۹) با توجه به اینکه این مفهوم با ریشه مذکور و مشتقات آن در حدود ۷۳ بار در ۶۴ آیه مطرح شده است، ولی در این نوشتار تنها به آن دسته از آیات توجه شده است که با مفهوم حبط رابطه متقابل داشته باشد و از این میان بیش از همه در مقابل «ضنک» قرار می‌گیرد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۰۳) مانند آیه: «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۱۰۰).

۳-۲-۴. تَقَبَّلَ

واژه «تَقَبَّلَ» از ریشه «قَبَلَ» به معنای پذیرفتن آمده است، مانند آیه «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ» (آل عمران: ۳۷) به این معنی که پروردگارش به وجهی پسندیده او را تربیت کرد و به نیکویی از او پذیرفت (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۴). این واژه بیشتر در مقابل «ابطال عمل» به کار رفته است. مطابق با بررسی‌های انجام شده از آیات شریفه، بیان این نکته قابل تأمل است که این مفهوم با ریشه «قَبَلَ» ۲۹۴ بار در ۲۸۲ آیه مطرح شده که از این میان، تنها دو مورد آن به صورت «تَقَبَّلَ» قابل مشاهده است، اما آن دسته آیات که معنای متضاد حبط را دارند و مرتبط به شبکه معنایی مورد نظر بوده، در آیات زیر جستجو شده که آیات ذیل، همه نشان از پذیرش و مقبول واقع شدن اعمال و انفاق مؤمنین دارد.

«وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ» (توبه: ۴۵)
 «إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران: ۳۵)

«فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا...» (آل عمران: ۳۷)

پیش از این، در بخش منشأها، عدم ارتباط صحیح و یا رعایت ادب الهی در نسبت با ولی خدا که از زمینه‌های اصلی حبط عمل بشمار می‌رود، بیان شد، بنابراین اخذ صفات مثبت از جمله رعایت ادب در نسبت با ولی خدا، اصلاح نیت و ... توسط بشر می‌تواند منجر به تثبیت اعمال نیک آدمی و تسریع سیر او در دست‌یابی به کمال الهی شود. چنانچه آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يَعُضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (حجرات: ۳) بیانگر رعایت ادب و نهایتاً استقرار تقوی در قلوب مؤمنین است.

در این قسمت به بیان مستندات قرآنی نمادها، جایگاه و ارتباط آن‌ها با مفهوم مورد بررسی در قرآن پرداخته شده است.

۳-۲-۴. نمادهای مفهوم حبط

نماد، به نوعی نشانه همراه با تمثیل است که برای فهم بهتر و راحت‌تر مخاطب از موضوع اصلی به کار می‌رود. در قرآن نمونه‌های بسیار زیبا و معناداری از این نمادها نسبت به موضوعات مختلف قابل مشاهده است. مفهوم حبط هم از این قاعده مستثنی نبوده و نمونه‌هایی را به خود اختصاص داده است. به این ترتیب کلید واژه‌های میدان معنایی چهارم که نمادهای مربوط به واژه حبط را بیان می‌کند شامل: تمثیل نجات، تمثیل تجارت، تمثیل کشاورزی، تمثیل خاک بر سنگ و نماد کلمه طیبه است. مفهوم حبط در قرآن کریم در قالب نمادهایی متنوع تصویرسازی شده است که شرح آن در ارائه تبیینی واضح‌تر از این مؤلفه مؤثر است.

۳-۲-۴-۱. نماد تجارت

از جمله نمادهایی که برای مفهوم حبط در قرآن کریم بیان شده است، اختصاص نماد تجارت برای این مفهوم می‌باشد. به عنوان مثال خداوند در آیات ذیل می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَلَا مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» (بقره: ۱۶) و «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ» (بقره: ۱۷۴).

برای دریافت نماد حبط در این آیه می‌توان چنان تصور کرد که فرد تاجری سرمایه‌های اصلی و متاع ارزشمند خود، همچون هدایت و رشد و ایمان حقیقی را که به سختی به دست می‌آید، به متاع کم و گمراه کننده دنیایی همچون کفر، بی ادبی در برابر ولی خدا، مشافه با رسول(ص) و ... که بهایی بسیار کم را به خود اختصاص می‌دهند، بفروشد که به طور یقین تجارت زیان باری را انجام داده است.

۳-۲-۴. نماد کشاورزی

در آیه شریفه ذیل مثال باغبانی مطرح شده است که مدت‌ها عمر خود را صرف کاشتن بذره‌های مختلف در زمین کشاورزی کرده، تا اینکه بتواند در دوران کهنسالی و زمان نیازمندی فرزندان خویش، از محصولات این باغ استفاده کند اما غافل از اینکه کاشت بذر بدون صیانت از آن، ممکن است با آتشی سوزان به یکباره حاصل سال‌ها تلاش و زحمات آن‌ها را از بین ببرد: «أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره: ۲۲۶).

به عبارتی دیگر هر کدام از اعمال صالح انسان، حکم بذره‌های این باغ را دارد که اگر به طور دائم و سنجیده در نگهداری و صیانت از آن‌ها تلاش نشود، ممکن است آتش همچون کفر، شرک، نفاق و ارتداد، تمام آن‌ها را سوزانده و جز خسران و تباهی برای انسان حاصلی نداشته باشد.

۳-۲-۳. نماد خاک بر روی سنگ

به تعبیر و تمثیل آیات شریفه و حتی روایات معصومین(ع) هر عمل نیک به مثابه یک دانه است که قابلیت رشد دارد به شرط اینکه حقیقتاً عمل حَسَن باشد و در زمین که نمادی از بستر مناسب و درست با قابلیت رشد دادن استعداد دانه‌ها است، کاشته شود و نه بر روی صخره و سنگی سخت که نماد عمل همراه با ریا و نفاق است، که اصلاً امکان رشد و حیات هیچ دانه‌ای (عمل صالح) بر روی آن وجود ندارد و هر زمان،

احتمال آسیب رسانی آفات ممکنه همچون باد و باران (کفر و شرک و ...) آن را تهدید می‌کند.

خداوند متعال در قرآن مفهوم حبیط را به وجود خاکی بر روی سنگ تمثیل کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۶۴).

۳-۲-۴. نماد کلمه طيبة

مفهوم باطنی واژه «كَلِمَةً طَيِّبَةً»، به معنی عمل صالح و نیکویی است که اگر با پایه و اساس درست و ثابت انجام شود و در صیانت و رشد سالم تلاش کافی صورت گیرد، از حبیط در امان می‌ماند به دلیل اینکه عمل صالح بُعد وجودی زمینی بالقوه انسان را رشد داده و او را به بُعد الهی و آسمانی می‌رساند. هرچند ممکن است که یک عمل درست، کوچک و بی ارزش به نظر برسد اما طبق روایات ائمه معصومین (ع) هر ذره‌ای از اعمال صالح همچون دانه‌ای ارزشمند می‌تواند در اثر رشد و مراقبت، به شاخه‌های بزرگ‌تر تبدیل شده و نهالی تنومند از خوبی‌ها را به بار آورد چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ عَمَلٍ لِّلَّهِ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم: ۲۴)

۴. نقطه آغاز حبیط

از دیدگاه قرآن کریم آغاز حبیط به نقطه کفر و عدم ایمان باز می‌گردد، چرا که قرآن مبنای تحقق تمامی معارف الهی را دخول ایمان در قلب مؤمن دانسته و شکل‌گیری اصول اخلاقی در افراد را پس از استواری آن بر ایمان، ارزشمند تلقی می‌نماید. برای مثال شخصی که بر مبنای ایمان، انفاق نموده و در جستجوی رضایت حق تعالی است، در ظاهر عملی همسان با فرد ریاکار دارد که او نیز به انفاق پرداخته است، لکن عدم ایمان شخص ریاکار او را به غضب الهی سوق خواهد داد و نتیجه‌ای از عمل در دنیا و آخرت حاصل نخواهد شد.

وجه تمایز این دو، نیات و باورهاست که از ایمان به حق تعالی یا عدم ایمان به او نشأت می‌گیرد، گرچه ابتدای حبط از کفر آغاز می‌شود که پایین‌ترین مرتبه آن به اعتقاد فرد باز می‌گردد، اما اصرار بر این کفر منجر به تشدید آن شده و تکذیب آیات و شرک به حق تعالی را به دنبال داشته است. نماد بیرونی شرک در مرحله اول در مقابل آیت عظمی الهی یعنی ولی خدا بروز پیدا می‌کند، به نحوی که فرد را به بی ادبی و مشاقه در محضر رسول خدا (ص) سوق می‌دهد.

۵. زمینه‌های ایجاد حبط

در پاسخ به این سؤال که کدام زمینه، کدام نوع حبط را دربر دارد، می‌توان اینگونه بیان نمود که بازگشت هر بخش از اعمال انسان از جمله اعتقادات، حالات و اعمال وی، سر منشأ حبط اعمال وی می‌باشند که در ذیل استنادات آن خواهد آمد.

۵-۱. اعتقادات

دسته‌ای از حبط‌ها به اعتقادات انسان باز می‌گردد مثل؛ کفر، شرک و ارتداد. خداوند متعال ارتداد را عامل اصلی حبط اعمال انسان دانسته است: «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (بقره: ۲۱۷). همچنین است کُفْر: «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ» (کهف: ۱۰۵) و شرک: «لَنْ أَشْرَكَتَ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلَكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (زمر: ۶۵).

۵-۲. حالات انسان

دسته‌ای دیگر از حبط‌ها به حالات انسان باز می‌گردد مثل؛ بی ادبی، عدم رعایت تعادل در امور، تکذیب آیات قرآن: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف: ۱۴۷) و اراده دنیا و زینت آن: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (هود: ۱۵ و ۱۶).

۵-۳. اعمال آدمی

و نهایتاً گروهی از اعمال آدمی سر منشأ حبیط آن‌ها است مثل منت گذاشتن و اذیت کردن مردم: «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره: ۲۶۴).

۶. آثار و نتایج حبیط

به استناد آیات قرآنی چنین دریافت می‌شود که حبیط اعمال انسان آثار و نتایج متعددی را به دنبال دارد که از جمله آنها چنین است:

۶-۱. باطل شدن اعمال

آیه شریفه «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره: ۲۶۴) دلالت دارد بر اینکه آزار و منت بعد از هر عمل نیکی، اجر آن را حبیط کرده و از بین می‌برد و نتیجه ابطال عمل را عدم بهره‌مندی از اعمال برای صاحبانش دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۸۹). همچنین آیه شریفه «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (هود: ۱۶) نیز بر همین مطلب دلالت دارد.

۶-۲. نداشتن یار و یاور

عبارت «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» در آیه ۲۱ و ۲۲ سوره آل عمران، تصریح به شمول غضب الهی و تهدید به نزول عذاب است و منظور از آن تنها عذاب آخرت نیست به دلیل اینکه دنبالش می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ». کافران در آیه مورد بحث هم به عذاب آخرت تهدید شده‌اند و هم به عذاب دنیا که کشته شدن، آواره گشتن، از بین رفتن اموال و جان‌ها و نداشتن یار و یاور از جمله آنهاست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۲).

۳-۶. عدم اقامه میزان در قیامت

بر اساس آیات قرآن وجه اینکه چرا برخی اعمال انسان حبط و بی اجر می‌گردد، این است که آن‌ها هیچ عملی را برای رضای خدا انجام نمی‌دهند و ثواب دار آخرت را نمی‌جویند و سعادت حیات آخرت را نمی‌طلبند و محرکشان در هیچ عملی، یاد روز قیامت و حساب نیست و اینکه فرمود: «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا» (کهف: ۱۰۵) تفریعی است بر حبط اعمال، زیرا سنجش و وزن در روز قیامت به سنگینی حسنات است، به دلیل اینکه می‌فرماید: «وَ الْأَوْزَانُ الْيَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ» (اعراف: ۸ و ۹) و نیز به دلیل اینکه با حبط عمل، دیگر سنگینی باقی نمی‌ماند و در نتیجه دیگر وزنی معنا ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۴۰۰).

۴-۶. خلود در آتش

در آیه ۱۷ سوره توبه، منظور از عبارت «أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ»، بطلان اثر و برداشته شدن آن از اعمال افراد است، زیرا هر عملی را که انسان انجام می‌دهد، به خاطر اثری است که از آن منظور دارد و وقتی عمل حبط و اثر از آن برداشته شود، قهراً مجوزی برای انجام آن نیست. اعمالی هم که جنبه عبادت دارد از قبیل تعمیر مساجد و امثال آن به منظور اثری که عبارت از سعادت و بهشت است انجام می‌شود و لذا وقتی حبط شود دیگر آن اثر را ندارد و منظور از جمله دوم یعنی جمله «فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» بیان این جهت است که این طائفه از آنجایی که اعمال عبادیشان به بهشت راهبریشان نمی‌کند، به طور دائم در آتش خواهند بود و چون اثر سعادت را ندارند، در شقاوت ابدی به سر خواهند برد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۲۰۰).

۷. مراتب حبط

با بررسی آیات کریمه قرآن در زمینه مفهوم حبط، این نتیجه به دست می‌آید که می‌توان برای حبط مراتبی قائل شد، با این وصف که حبط در یک مرحله منجر به بطلان شده است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زَيَّنَّهَا نُوفَ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (هود: ۱۵-۱۶) و در مرحله بعد، خُسران را برای صاحب خویش به دنبال خواهد داشت: «وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ» (مائده: ۵۳).

همچنین می‌توان گفت حبط دارای دو مرتبه دنیوی و اخروی بوده و به ترتیب منجر به نابودی اعمال در دنیا و آخرت می‌گردد و بسی واضح و مبرهن است که خسران در آخرت به هنگام حسابرسی اعمال، نمود بیشتری برای فرد خواهد داشت. با این توضیح که گاهی قرآن واژه حبط را به صورت مطلق به کار برده است (مائده: ۵۳) و گاه آن را به آخرت اختصاص می‌دهد (مائده: ۵) و (جائیه: ۲۷). لازم به ذکر است که مرتبه بعدی حبط از دیدگاه قرآن کریم آن است که حبط در دنیا و آخرت، اعمال فرد را در می‌ریزد (بقره: ۲۱۷)، (آل عمران: ۲۲) و (توبه: ۶۹).

۸. راه‌های نجات از حبط

به نظر می‌رسد تأمل و به کار بستن اصول اخلاقی موجود در فضای قرآنی که به نوعی در جایگاه متقابل منشأ یا عوامل ایجاد حبط قرار می‌گیرند، یکی از بهترین راهکارهای موجود جهت دستیابی به مجموعه آدابی در راستای رهایی یافتن از ورطه بطلان اعمال باشد. بدان معنا که برای نمونه مفاهیمی همچون ایمان در برابر کفر به آیات الهی، تبعیت و همراهی و ادب در برابر ولی خدا، به جای مشاققه با رسول(ص) و... بیان شده است.

برای مثال اگر در آیه ۲ سوره حجرات بالا رفتن صدا در برابر ولی خدا موجب حبط اعمال بیان شده، در آیه ۳ همان سوره پایین آوردن صدا در برابر ایشان را امتحان قلوب مؤمنین به تقوا معرفی کرده است، همچنان که در بخش‌های پیشین تفصیل آن بیان شد. از طرفی بیان شد که مفاهیمی مانند؛ کفر، شرک، تکذیب آیات الهی و لقاء آخرت، ارتداد، خوض، اراده حیات دنیا و زینت آن، نفاق و مشاققه با رسول(ص) زمینه ساز بروز حبط برای انسان گردیده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نقاط مقابل هر کدام از این مؤلفه‌ها، بیانگر قانون مندی پیشگیری از حبط عمل خواهد بود.

به عنوان مثال در آیه ۱۵۸ سوره اعراف ایمان به رسول الهی، هم ردیف ایمان به خدای متعال بیان شده و تبعیت از ایشان را منتهی به هدایت دانسته و در مقابل مفهوم ارتداد را در آیه ۲۱۷ سوره بقره منجر به حبط اعمال دانسته است. همچنین تأملی در آیات ۱۴ سوره حجرات و ۳۳ سوره محمد(ص) چنین می‌نمایاند که اطاعت از رسول به عنوان اصل اساسی حفظ ایمان و اعمال انسان، در برابر آیات ۳۲ سوره محمد(ص) با مفهوم مشاقّه با رسول و آیه ۹ سوره یونس با محتوای کفر و صد راه خدا ذکر کرده است.

در ادامه این بحث، دقت در متناظر سازی آیاتی همچون؛ ۱۷۴ سوره آل عمران با عنوان اصلی تبعیت رضوان با آیات ۹ و ۲۸ سوره محمد(ص) با محتوای تبعیت از خط شیطان و کراهت رضوان، به نوعی می‌توان گفت که مخاطب را علاقه‌مند به مطالعه سیستمی و کاربردی موضوعات در آیات شریفه قرآن می‌سازد. نهایتاً اینکه همه این نمونه‌ها، مؤید سیستم منسجم و هماهنگ محتوایی آیات این کلام نورانی است.

نتیجه‌گیری

برآیند حاصل از این پژوهش چنین می‌نمایاند که مفهوم حبط، مفهومی پسینی است، به این معنی که حالت و یا اتفاقی است که بعد از انجام عمل، رخ دادن حالت و یا رویدادی صورت می‌پذیرد و نه قبل از آن. یعنی فرد، عمل صالحی را انجام و سپس به دلایل متعدد، با عملی دیگر منجر به حبط و از بین رفتن عمل نیک خویش می‌شود. شایان ذکر است که این مفهوم در حوزه ایمان و ارزش‌ها مطرح می‌شود.

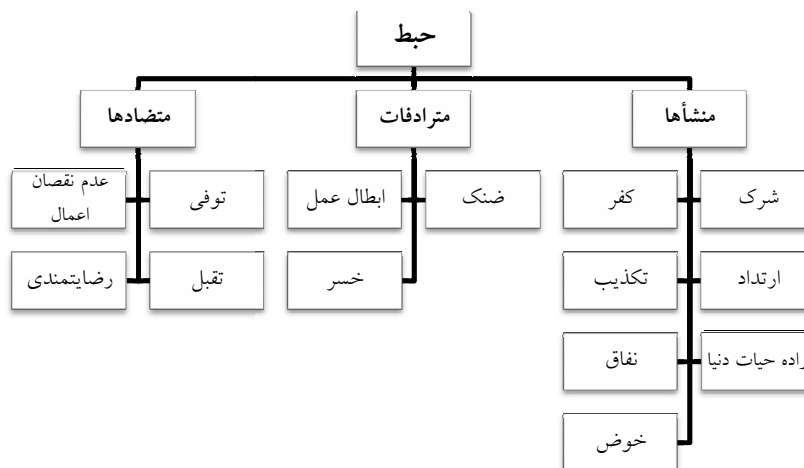
در نوشتار حاضر، در بررسی واژگانی مفهوم حبط عمل چنین به دست آمد که، بطلان و بی اثر شدن عمل را گویند، به گونه‌ای که هیچ اثر و نتیجه معنوی به دنبال نداشته باشد. این مفهوم در سه محور هم‌نیشینی مترادفات مانند؛ ابطال عمل، ضنک و خسر و نیز منشأهای آن از جمله؛ اراده حیات دنیا، خوض، نفاق و مشاقّه با رسول(ص) و ملازمات آن مانند؛ کفر، شرک و ارتداد، ارتباط وجود دارد که مجموع این مفاهیم در مستندات قرآنی مربوطه به همراه زیر شاخه‌های خود، مورد ارزیابی قرار گرفت.

پس از آن سعی در آشکارسازی نکات نهفته در میدان معنایی متضاد واژه مذکور شده که از آن جمله تعمیق معنایی مفاهیمی همچون؛ توفی، رضایتمندی و تَقَبُّل در این دسته جای می‌گیرند. استفاده از نماد، به عنوان نوعی نشانه همراه با تمثیل، از دیگر فضاهای مورد استفاده در این پژوهش بود که مفصلاً به توضیح انواع نمادهای مفهوم حبط عمل از جمله: تجارت، کشاورزی و وجود خاک بر روی سنگ پرداخته شد. در ادامه باطل شدن اعمال، نداشتن یار و یاور، عدم اقامه میزان در قیامت نیز از جمله مهم‌ترین آثار حبط عمل شناخته شد. در مهم‌ترین بخش این نوشتار، مفاهیمی چون: ایمان در برابر کفر به آیات الهی، تبعیت و ادب در برابر ولی خدا به جای مشاقّه با رسول (ص) و ... از جمله راه‌های برون‌شد و نجات انسان‌ها از حبط اعمال دانسته شده است.

در حقیقت با بررسی‌های انجام شده، چنین به نظر می‌رسد که می‌توان مصادیق حبط را در قالب دو دسته عملی و نظری بیان نمود. برای مثال: عدم رعایت ادب در برابر ولی خدا به نوعی حبط عملی به شمار می‌آید چنانکه حبّ دنیا و عدم کسب رضایت الهی از جمله مصادیق حبط نظری دانسته شده است. همچنین مشاقّه با رسول خدا(ص) از جمله اعمالی است که باعث حبط سایر اعمال آدمی می‌شود، چرا که بر اساس آیات قرآنی، این نکته به دست می‌آید که یک عمل فقط باعث حبط خودش نمی‌شود، بلکه از بین بردن سایر اعمال را هم دربر دارد.

نمودار ذیل بیانگر خلاصه‌ای از ارتباطات و نسبت‌های میان مؤلفه‌های مؤثر در شناخت واژه حبط است.

نمودار ۱. حوزه‌های معنایی واژه حبط



یادداشت‌ها

۱. ریشه‌های نظریه زبان‌شناسی - معناشناسی مکتب بن را باید در نظرات کانت که تأثیر بسزایی در مطالعات بعد از خود گذاشت، جستجو کرد. در فلسفه او جهان خارج تأثیری در آدمی پدید می‌آورد چنانکه آدمی نیز در ذهن خود مقولات ذاتی یا دانش‌های «شهودی» دارد که بر آن تأثرات تحمیل می‌شود و آن‌ها را نظم و نسق می‌دهد.

در این میان، تحمیل‌های مکانی، زمانی و علیتی بیش از همه قابل ذکرند. طبیعی است اگر ذهن چیزی را از رهگذر تجربی زبانی نیز به دست آورد، همین به نظم کشیدن و مقوله بندی کردن داده‌ها را انجام می‌دهد. «هومبولت» نظریه پرداز اروپایی که بعدها نظراتش با ایده‌های «وایسگربر» گره خورد، سردمدار واقعی مکتب بن است (مطیع، ۱۳۸۷، ص ۷۳).

2. Syntagmatic Axis

3. Rivkin

4. Rayan

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: انتشارات دار صادر، چاپ دوم.
- آندلسی، ابوحنان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: انتشارات دار الفکر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: ناشر دارالعلم الدار الشامیه.
- رضی، سید شریف (۱۳۸۰)، *نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی(ع)*، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد، چاپ چهارم.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ سوم.
- سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰)، *تفسیر سور آبادی*، تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام، چ دوم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطبع، مهدی (۱۳۸۷)، معنانشناسی زیبایی در قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
نووی جاوی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق)، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، تحقیق محمد
أمین الصناوی، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.